

تحلیلی بر نقش توسعه روابط بین‌الملل با محوریت حکمرانی خوب نمونه موردی: روابط بین دولت ایران و رویکرد حکمرانی خوب

نوع مقاله: پژوهشی

علی بخششی^۱

محمد یوسفی جویباری^۲

جلیل نائیبیان^۳

پرویز احدی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۳

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی تحلیلی بر نقش توسعه روابط بین‌الملل با محوریت حکمرانی خوب نمونه موردی : روابط بین دولت ایران و حکمرانی خوب در دستور کار قرار گرفته است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. در این فرایند، متناسب با داده‌های موردنیاز پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و منابع مرجع استفاده شد. جهت ابزار گردآوری داده‌ها از بین متخصصان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و جغرافیا (از بین اساتید دانشگاه و فارغ‌التحصیلان) به تعداد ۲۰ نفر به صورت هدفمندانه مورد پرسش قرار گرفت. پرسشنامه تخصصی به صورت مقایسه‌ای (صفر=بی‌اثر؛ یک=اثرگذاری خیلی کم؛ دو=اثرگذاری کم؛ سه=اثرگذاری زیاد؛ چهار=اثرگذاری خیلی زیاد) است. همچنین روایی این تحقیق مثبت و بالاتر بوده و قابل‌تأیید است. برای تحلیل یافته‌های بخش تخصصی از روش دیمتل بهره گرفته شد. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که بین متغیرهای تحقیق به ترتیب پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری تأثیرگذار است و شاخص‌های مشارکت، عدالت، حاکمیت قانون، اجماع‌پذیری اثرپذیر محسوب می‌شود و در درجات بعدی اثرپذیری قرار دارد. این رویکرد "حکمرانی خوب شهری" است که طی دهه‌های اخیر به عنوان رویکرد مؤثر و اثربخش که فضای سیاست‌ها و روابط بین‌الملل با چالش‌های

۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز azarbayjan1969@gmail.com

۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول) yousefijouybari@iaut.ac.ir

۳ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران. jnayebian@gmail.com

۴ استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز parvizand@gmail.com

عدیده‌ای مواجه است و دچار تخریب و آسیب شده را راهکارهایی ارائه می‌دهد و دولت‌ها را از فضای ناپایدار و وابسته خارج می‌سازد.

واژگان کلیدی : حکمروایی، حکمرانی خوب، توسعه، توسعه روابط بین‌الملل
طبقه بندی JEL : O19,R58,Q01

مقدمه

حکمرانی بحث جدیدی نیست، بلکه سابقه طولانی شاید به قدمت عمر بشر دارد. حکمرانی فرایندی است که طی آن گروهی از مردم به نمایندگی از آن‌ها تصمیم می‌گیرند و گروهی دیگر به نمایندگی از آن‌ها تحت نظارت آن‌ها اجرا می‌نمایند. فلاسفه سیاسی از زمان تشکیل نخستین دولت‌شهرها در یونان باستان به دنبال ارائه الگوی مناسب در چارچوب اعمال حاکمیت بر مردم جامعه خود بودند و از اندیشمندان سیاسی از سقراط تا افلاطون در آثار خود در این زمینه، قلم‌فرسایی نمودند. اما واژه حکمرانی و به‌ویژه حکمرانی خوب، برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ در زمانی که بانک جهانی، گزارش سالانه خود را مبنی به حکمرانی خوب اختصاص داد، جایگاه خود را در ادبیات توسعه باز کرد (جلیل خانی، ۱۳۸۶: ۲۶). اما نکته مهمی که به آن باید توجه شود؛ این است که حکمرانی خوب، مساوی دولت خوب نیست، زیرا که همه نهادهای حکومتی در کشورها در دولت و قوه مجریه متمرکز نشده است بلکه سایر نهادهای وجود دارند که خارج از قوه مجریه و دولت در درون دولت و جامعه و عرصه نظام بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند. اگرچه وجود دولت خوب شرط لازم حکمرانی خوب است، ولی به‌هیچ‌وجه شرط کافی نیست. حکمرانی خوب نتیجه تعادل و کارکرد همه قوای یک کشور در عرصه سیاست داخلی و همچنین در عرصه سیاست خارجی و نظام بین‌الملل است (جلیل خانی، ۱۳۸۶: ۵۴). در این میان تغییرات در سیاست‌ها و راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نه‌تنها در عرصه سیاست داخلی بلکه در عرصه روابط بین‌الملل از مهم‌ترین ابزاری است که باعث می‌شود یک دولت به میزان قابل‌توجهی از توسعه و در کنار آن تحقق الگوی حکمرانی خوب دست یابد. از آنچه به آن پرداخته شد باید گفت که حکمرانی خوب یک مفهوم پلورالیستی و کثرت‌گرایانه است و به تنهایی و از یک مسیر نمی‌توان زمینه تحقق آن را فراهم کرد.

نظام جهانی به وجود آمده و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر در تمامی عرصه‌ها، نشان از اهمیت توجه به توسعه روابط بین‌الملل، در تمامی زمینه‌ها است. اگر بخواهد موضوع را بسط و گسترش دهد باید تأکید شود که تلاش دولت‌ها در کنار توجه به سیاست داخلی خود، باید به مسائل عرصه بین‌الملل معطوف شود (مقدری، ۱۳۹۵: ۵۸). اگر بخواهیم الگوی حکمرانی خوب را به‌درستی بررسی کنیم باید به‌تمامی تحولات و تغییرات در مناسبات جدید بین‌الملل توجه کنیم. درواقع می‌توان حکمرانی خوب را یک نظام سامانمند دانست که در آن همه عوامل مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم متصل است (سینکلایر^۱، ۲۰۱۲: ۱۵-۱۴). بنیان فهم حکمرانی جهانی، تمایز بین "حکمرانی" و "حکومت" است. بر اساس استدلال جمیز روزنا، گرچه هر دو اصطلاح به نظامی

^۱ Sinclair

از قواعد اشاره دارند اما مفهوم حکومت حاکی از فعالیت‌های است که تحت حمایت اقتدار اصلی برای تضمین اجرای سیاست‌ها و رعایت قانون هستند (رزنائو و زمپیل، ۱۹۹۲: ۵-۳، ۲۵۰). از این منظر تعریفی از حکمرانی خوب چالشی ظریف و پیچیده است. حکمرانی مشابه دولت نیست و حکمرانی خوب موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و نحوه ارتباط یک نظام سیاسی با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهان پیچیده است. حکمرانی خوب به‌عنوان یک فرآیند متکی بر آن است، که تغییر و تحولات عرصه نظام بین‌الملل و سیاست داخلی کشورها به سمت رویه‌ها، قانون‌ها، قراردادهای سیاست‌ها پیش برود که تعیین کند قدرت دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردد و وظایف چگونه انجام و ادا شود (ابراهیم پور و الیک، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

درنهایت باید بر این اصل مهم صحنه بگذارد که حکمرانی خوب در عصر جدید، ارتباط تنگاتنگی با توسعه روابط بین‌الملل دارد و مفهوم توسعه روابط بین‌الملل در کنار مفهوم حکمرانی جهانی معنا پیدا می‌کند زیرا در تشخیص و توصیف فرآیندهای دگرگونی در سیاست جهان به ما کمک می‌کند (پینگ نی، ۲۰۰۵: ۲۵). با این اوصاف مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی تحلیلی بر نقش توسعه روابط بین‌الملل با محوریت حکمرانی خوب نمونه موردی: روابط بین دولت ایران و حکمرانی خوب در دستور کار قرار گرفته است.

۱. سؤال تحقیق

۱- چه ارتباطی بین دولت ایران و حکمرانی خوب بر اساس شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد؟

۲- نظام بین‌الملل و توسعه روابط بین‌الملل چه نقشی در حکمرانی خوب دارد؟

۳- شاخصه‌های حکمرانی خوب چه تاثیری بر توسعه روابط بین‌الملل دارد؟

۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که مفهوم حکمرانی خوب بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم، ورود نظریات رفتارگرایانه و علمی به پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و ضرورت علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جایگاه ویژه‌ای در نزد نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پیدا کرده است، آنچه باید به آن اذعان کرد این است که پس از سال ۱۹۷۰ و چرخش

ساختارگرایانه و نیز تحولات مهم در قالب جهانی شدن و تسری سیاست به سایر حوزه‌ها زمینه بازنگری در این مفهوم پیش از پیش احساس می‌شود. درواقع در دنیای شدت جهانی شده که دولت‌ها به واسطه وابستگی متقابل سیاسی، اقتصادی و امنیتی محدود شده‌اند رابطه میان دو مفهوم تحولات نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل و حکمرانی خوب از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. درواقع مناسبات جدید در عرصه بین‌الملل بر تعدد بازیگران جهانی افزوده است، ضمن بیان قدرت مؤسسات بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی فراملی، حاکمیت دولت‌ها را با چالش مواجه ساخته است. این امر سبب شده تا ارتباطات فراملی به صورت غیرمستقیم افزایش یافته و درنهایت حکومت‌گری‌ها، دیگر به صورت کاملاً بسته شکل نگیرد.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

در مورد نقش توسعه روابط بین‌الملل در حکمرانی خوب آثاری مکتوب در چارچوب کتاب و مقاله نگاشته شده است که در رساله حاضر به فراخور نیاز از آن‌ها استفاده شده که شماری از این آثار عبارت‌اند از:

جدول ۱- پیشینه‌ی تحقیق

نام محقق	تاریخ انجام تحقیق	نام کتاب یا مقاله	نتایج
سلیمی و کریمی پور	۱۳۹۸	حکمرانی ، درآمدی بسیار کوتاه	نویسنده کتاب در پژوهش خود معتقد است که حکمرانی به‌طور خلاصه می‌تواند به معنای تمامی فرآیندهای حکومت کردن باشد. این واژه، تمرکز بر نهادهای رسمی حکومت را با شناسایی فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای که فراتر از مرزهای دولت و جامعه است تکمیل می‌کند این واژه توجه را به‌سوی فرایندها و برهم‌کنش‌های پیچیده‌ای که در حکومت کردن دخیل‌اند معطوف می‌کند
بهروز و قربانی	۱۳۹۶	حکمرانی خوب	درواقع اصل مهمی که در این کتاب بر آن تأکید شده ارائه تعریفی از حکمرانی به معنای اداره کردن قواعد سیاسی رسمی و غیررسمی یک بازی عنوان نموده‌اند و حکمرانی را در بستر معیارهای جای می‌دهد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل‌وفصل تعارضات در عرصه سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی در چارچوب قواعد مطرح شده است.

عیوضی و همکاران	۱۳۹۶	بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار	نتایج تحقیق نشان می دهد از آنجایی که در دستور کار مجامع بین المللی قرار گرفته است و به عنوان پیش شرط کمک های توسعه از جانب مؤسسات بین المللی به کشورهای در حال توسعه و فقیر مطرح و بعدها بعد سیاسی نیز به آن افزوده شده است باید در جهت هم راستا نمودن سیاست خود با الگوهای مطرح شده به سمت مدرنیزه کردن سیاست و آزادسازی اقتصادی پیش رفت.
مرزبا	۱۳۹۶	تحولات مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین الملل	نتایج تحقیق نشان می دهد با عنایت به مسائل بین المللی و جهانی تأثیر آن بر سیاست گذاری داخلی حکومت ها را نیز بررسی کرده و به یک توازن در این زمینه دست یابیم و بر این اصل مهم تأکید کنیم که وجود هر یک از این دو مفاهیم بدون توجه به نقش دیگری بررسی، عقیم بوده و نمی تواند در ارائه یک چارچوب مناسب مفید واقع شود.
ابراهیم پور و الیکی	۱۳۹۵	نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولت ها	نتایج تحقیق نشان می دهد همچنین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد قوای یک کشور در عرصه نظام بین الملل و سیاست داخلی خود است دولت ها را بر آن داشته تا بر تکیه بر این مفهوم و ارائه شاخص های آن در حیطه کشور خود بتوانند جایگاه مستحکم برای خود در میان شهروندان و افکار عمومی بیابند.
مقدری	۱۳۹۵	درآمدی بر حکمرانی خوب	درواقع نگارنده کتاب معتقد است که با توجه به تغییر و تحولات پس از عصر جهانی شدن در حوزه های مختلف دولت ها چه در عرصه روابط دیپلماتیک خود و سیاست خارجی و نیز در چارچوب اقدامات خود در حوزه سیاست داخلی تحت نظارت شهروندان خود قرار دارد و شهروندان توقع شفافیت بیشتری از حاکمان دارند و این مطالبات اصلی دموکراسی است.

پارسا نصب	۱۳۹۴	مروری بر حکمرانی خوب کلید معمای توسعه	اگرچه نویسنده تأکید می‌کند که ما شاهد الگوی از حکمرانی خوب نیستیم تنها به بزرگ‌نمایی بخشی از این الگوها تأکید دارد درحالی‌که پژوهش داخلی سعی نموده‌ایم تا مفاهیم و الگوهای مختلف حکمرانی خوب چه در بستر سیاست‌گذاری داخلی و چه در بستر سیاست‌گذاری خارجی را مبنای عمل خود قرار داده و به یک توازن در این حوزه دست‌یابیم.
صبوری	۱۳۹۱	حکمرانی خوب و تحول در بین‌الملل	جایگزین مفهوم حکومت شده، چه تأثیری در تحول نظام بین‌الملل دارد و چگونه نظام بین‌الملل مطلوب از رهگذر دستیابی به این سطح از حکومت سامان و تحقق می‌یابد. مؤلف معتقد است حکومت و حکمرانی خوب سبب ارتقای نقش دولت‌ها و جامعه مدنی در ساماندهی سیاست‌ها و همسوئی در اجرای سیاست‌ها و یکپارچگی نظم بین‌المللی خواهد شد.

منبع: یافته‌های محقق

۴. مبانی نظری

هر یک از گفتمان‌ها و نظریات جامعه‌شناسی به ترسیم رابطه دولت و جامعه پرداخته‌اند:

(۱) - جامعه فعال - دولت محدود

این گفتمان در قرن ۱۸ و ۱۹ برآمده از اندیشه‌های سیاسی توماس هابز و جان لاک است. لیبرال کوشش نظری برای تعیین حوزه مستقل جامعه از دولت و تفکیک حوزه زندگی فردی، خانوادگی و اقتصادی و نهایتاً تعیین اقتدار دولت مدرن بود. این گفتمان به جامعه نیرومند و دولت کوچک قائل است (یزدان فام، ۱۳۸۱: ۴۹)

(۲) - جامعه فعال - دولت فعال

این گفتمان بر استقلال نسبی و نقش زیر بنایی دولت نسبت به جامعه و روابط اجتماعی تأکید می‌شود. دولت با وسایل و ویژگی‌های خود این کار ویژه‌ها را انجام می‌دهد. در این گفتمان بر مسئولیت دولت در مقابله جامعه تأکید دارد (دوبلن، ۱۳۵۷: ۱۱۶).

(۳) - جامعه منفعل - دولت فعال

زوال انسان کارگزار و فعال و ظهور انسان و جامعه توده‌ای که با تشکیل دولت توتالیتر و فراگیر همبسته است. این گفتمان ضد تجدد، ضد عقل رمانتیک و محافظه‌کار است و زمینه‌های فکری آن

را شوپنهار ، نیچه ، فروید و گوستاولوبون فراهم کردند. در این گفتمان انسان خودمختار زوال می‌یابد و سرنوشت او را قوانین کلی تاریخ ، نه آزادی و اراده او تعیین می‌کند. بنابراین شاهد تحول مفهوم انسان از لیبرالیسم به توتالیتاریسم است. یعنی انسان موجودی منفعل و ذره گونه تفسیر می‌شود. انسانی که همواره مغلوب نفس فردی خود و نیازمند عقل جمعی است که بهترین منافع انسان را می‌شناسد. گزاره‌ای که می‌توان آن را مبانی معرفتی توتالیتاریسم خواند.

(۴) - جامعه فعال - دولت محدود

در حقیقت بازگشتی به همان گفتمان لیبرالیسم که در آن دولت منفعل و جامعه فعال است . این گفتمان بر تمرکززدایی در همه حوزه‌ها تأکید دارد . در این گفتمان هر نوع بنیان‌گرایی ، ذات‌گرایی و طبیعت‌گرایی در همه عرصه‌ها از معرفت‌شناسی گرفته تا انسان‌شناسی نفی می‌شود . این گفتمان محصول تحولات فکری در حوزه‌های مختلف علمی و فلسفی قرن بیستم بوده که ریشه‌های آن را می‌توان در نئولیبرالیسم و پست‌مدرنیسم دید . این گفتمان در حقیقت نوعی مقابله در برابر نظریه دولت رفاهی کینز است (بشیریه ، ۱۳۷۸ : ۳۸ - ۱۲۷). در جمع‌بندی گفتمان‌های چهارگانه می‌توان گفت با ظهور هر گفتمان ، نقش‌ها ، هویت‌ها و اشکال و کردار دولت و جامعه تحول می‌یابد و نهادها تغییر شکل می‌دهند و جامعه سیاسی برحسب مقتضیات گفتمان سیاسی مسلط شکل می‌گیرد . بر این اساس بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی تأکید دارند دولت در طول تاریخ خود هیچ‌گاه ثابت نبوده ، بلکه همواره در حال تحرک ، تحول ، الحاق و همواره در حال نوعی گذار است (وژوکی و کمائی زاده ، ۱۳۸۸ : ۳۸).

توسعه مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی که از علوم طبیعی استخراج شده و در مورد فرآیند تغییر در جوامع بشری بکار رفته است . می‌توان گفت توسعه مفهومی دال بر تکامل نظام اجتماعی بشر از اشکال ساده‌تر به اشکال پیچیده‌تر، بالاتر در حد بلوغ و کمال (ریگز، ۱۹۸۴ : ۱۲۶). توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی ، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد (تو دارو ، ۱۳۸۷ : ۱۳۵).

در این پژوهش منظور از جامعه تمام عناصر سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته خارج از نهاد دولت را که باهم در تعامل هستند . لذا توسعه بر کفایت ، هوشمند و قابلیت سراسری جامعه تعریف می‌شود (دینی ، ۱۳۷۰ : ۸۵).

بارینگتون مور در اثر برجسته خود به نام ریشه‌های اجتماعی دموکراسی و دیکتاتوری با تحلیلی تاریخی و جامعه‌شناختی ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و نقش گروه‌ها و طبقات اجتماعی

در روند نوسازی، تجاری شدن کشاورزی، انباشت سرمایه و صنعتی شدن توجه نمود و با زیر سؤال بردن توسعه تک‌خطی نتیجه می‌گیرد که جوامع توسعه‌یافته تاکنون دست‌کم سه‌راه و مسیر متفاوت نوسازی را طی کرده و توسعه‌یافته‌اند. (مور، ۱۳۷۵: ۲۸۷-۱۷۳).

پرزورسکی در تأیید نظریه مور به نقش طبقه متوسط و سازش این طبقه یا طبقه کارگر در تغییر و تحول جامعه بسیار اهمیت می‌دهد (پرزورسکی، ۲۰۰۰: ۲۵۴).

اما علاوه بر نقش خودمختار طبقات و نیروهای اجتماعی در روند توسعه کشور در مقابل تجربه‌ای وجود دارد که حاکی از اولویت و محوریت تقریباً قاطع دولت در آغاز و هدایت فرآیند توسعه است. حاکمیت توانسته با اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌ها در مدت نسبتاً کوتاه کشوری را به توسعه برساند. در ادبیات توسعه این دولت‌ها با عنوان دولت‌های توسعه‌گرا خوانده می‌شود. دولت توسعه‌گرا دارای چشم‌اندازی، از رهبری و ظرفیت بالا برای ایفای نقش مثبت در انتقال یک جامعه از حالت عقب‌ماندگی به حالتی از توسعه قلمداد می‌شود (فريتز و روچامننوکال، ۲۰۰۷: ۵۳۳).

از نظر لفتویچ ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا اعم از دمکراتیک و غیر دمکراتیک عبارت‌اند از: اداره دولت توسط نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، وجود بوروکراسی قدرتمند و کارآمد، ضعف جامعه مدنی و تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی.

علاوه بر ویژگی‌های پنج‌گانه یادشده دولت‌های توسعه‌گرای دمکراتیک از دو ویژگی دیگر هم برخوردارند:

۱- حاکمیت طولانی‌مدت یک حزب در کشور.

۲- برخورداری از ویژگی‌های دموکراسی سیاسی (لفتویچ، ۱۳۸۵: ۶۵).

از دیدگاه اوانز لازمه توسعه و تحول حضور هم‌زمان استقلال و اتکا به جامعه است. اوانز همچنین تأکید می‌کند این آمیزه به‌ظاهر متعارض از همبستگی سازمانی و اتکا به اجتماع که آن خودگردانی متکی به اجتماع است. پایه اصلی و ساختاری لازم برای دخالت موفقیت‌آمیز دولت را تحول صنعتی فراهم می‌کند (اوانز، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

از نظر آتول کاهلی نقش دولت در ترویج و یا ایجاد مانع صنعتی شدن حائز اهمیت است. بر اساس استدلال وی تنوعات در الگوی اقتدار دولت در جهان در حال توسعه دارای پیامدهای عینی برای نرخ‌های صنعتی شدن در درون کشورهای مربوط است و این الگوهای بنیادین اقتدار دولتی که به‌نوبه خود پیشاپیش توسط نخبگان تعیین می‌یابند (افشار کهن، ۱۳۸۸: ۳۷۷).

۱ Przeworski

۲ Fritz and Rochamennocal

البته باید گفت در این رهیافت که بر مبنای نقش دولت و نخبگان تعریف می‌شود، گروه‌های اجتماعی و بخش خصوصی قابلیت لازم را نشان می‌دهند ولی از آنجایی که دولت دارای جایگاهی مستقل و بالادستی نسبت به انواع گروه‌های اجتماعی دارد نقش آن برجسته می‌شود. همان‌طور که گفته شد این رهیافت بیشتر در جوامع جهان سوم یا در حال توسعه به کار می‌برد (سریع القلم، ۱۳۸۰: ۱۰).

با توجه به تحولات عصر جدید و به اصطلاح دوره جهانی‌شدن اگرچه حاکمیت مطلق دولت در ابعاد مختلف مورد دستخوش قرار گرفته و دولت دیگر کنترل مطلق را بر سرزمین خود در عرصه‌های مختلف را ندارد (مانباخ، ۲۰۰۱: ۱۰۲). اما همچنان دولت به عنوان اصلی‌ترین بازیگر در عرصه ملی و فراملی است که سیاست‌گذاری‌ها و ساختار خود را با شرایط عصر جدید تطبیق می‌دهد (وانگ، ۲۰۰۴: ۱۴). دولت با ویژگی‌ها و کارکرد خاصی به عنوان مهم‌ترین بازیگری که نقش هماهنگ‌کننده و تنظیم‌گری ایفا می‌کند. به عبارتی دولت دارای ماهیتی کیفی و راهبر است. از طرفی دیگر با توجه به فضای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی شکل گرفته کنش ذهنی و رفتاری شهروندان در قالب سرزمین با مرزهای مشخص در یک گستره خاص جغرافیایی محدود و محصور نمی‌گنجد (امیر کواسمی، ۱۳۸۹: ۹۰-۸۶). در کنار هویت اجتماعی متنوع و جهانی هویت ملی همچنان قدرتمند است (اسمیت، ۲۰۰۷: ۳).

بنابراین امروزه شهروندان در ساخت نهادهای سیاسی و اجتماعی موجود نقش‌های متفاوتی و متنوع برجسته‌ای در عرصه داخلی یک کشور ایفا می‌کنند. آن‌ها در فضای جهانی و برای حل مسائل مشترک جهانی مانند محیط‌زیست، حقوق بشر و فرهنگی در قالب نهادهای جدید بین‌المللی بازیگران فعالی هستند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۴-۱. مفهوم حکمرانی

برخی منتقدان نگاهی بدبینانه به مفهوم حکمرانی دارند. آنان معتقدند حکمرانی صرفاً اصطلاحی تخصصی است. با وجود این برخی دیگر بر این باورند که چون بکارگیری بیش از حد این مفهوم سبب کلیشه‌ای شدنش شده است، تبیینی منسجم از مفهوم حکمرانی ضروری و مهم به شمار می‌آید (بور، ۱۳۹۷: ۱۱).

۱ Manbach

۲ Wong

۳ Smith

در رویه‌های جدید حکمرانی، نقش‌آفرینان سیاسی عواملی در نظر گرفته می‌شوند که به‌شدت توسط عوامل سازمان‌دهی شده و تجهیز شده در جامعه محدود شده‌اند. حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به شکلی روزافزون در فعالیت‌های حکمرانی با نقش‌آفرینان اجتماعی، شامل بنگاه‌های خصوصی، سازمان‌های غیر حکومتی و ارائه‌دهندگان خدمات غیرانتفاعی، مشارکت دارند. رابطه میان حکومت و جامعه تنوعات و شکل‌هایی گوناگون داشته است (همان منبع: ۱۳).

مفهوم "حکمرانی خوب" برگردانی است از عبارت "Good Governance" که به روابط میان حکومت شوندگان اشاره دارد. این اصطلاح که در ادبیات توسعه اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی دهه ۱۹۹۰ وارد شد (صبوری، ۱۳۹۱: ۲۱).

۲-۴. ویژگی‌ها و ابعاد حکمرانی خوب

سوای از شاخص‌هایی که برای حکمرانی خوب در نظر گرفته می‌شود (و در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، حکمرانی خوب از ویژگی‌هایی برخوردار است که در جوامع دموکراتیک به‌صورت ملموس می‌توان آن‌ها را درک کرد. برخی از ویژگی‌های حکمرانی خوب که درواقع؛ تعامل رفتارهای حکومت با سایر بخش‌های جامعه است عبارت‌اند از: ۱- حضور و تقویت بخش خصوصی و غیردولتی کارآمد،

۲- تقویت نهادهای جامعه مدنی، در جهت استقرار دموکراسی و مشارکت شهروندان

۳- وجود سیاست‌مداران کارآمد و نخبگان اجرایی تأثیرگذار

۴- عدم تمرکز قدرت و ثروت در دولت مرکزی

۵- اصلاح مدیریت بخش عمومی و خصوصی

۶- اصلاح خدمات دولتی

درواقع، می‌توان گفت که حکمرانی توانایی دولت در این زمینه‌هاست:

۱- شفاف‌سازی سیاسی و پذیرش انتقاد شهروندان

۲- فراهم ساختن خدمات عمومی مؤثر و کارآمد

۳- ایجاد زمینه‌های مساعد و مطلوب برای رشد اقتصادی ثابت

۴- اهتمام به آموزش و بهداشت عمومی شهروندان (صداقت کیش، ۱۳۹۵: ۵).

مهم‌ترین ابعاد حکمرانی عبارت‌اند از:

مشارکت شهروندان، کیفیت سیاست‌های حکومت، توسعه اجتماعی و مدیریت مطلوب اقتصادی.

رابطه میان حکمرانی خوب یا صلح و توسعه

حکمرانی، صلح و توسعه، مفاهیم مجزا هستند. اما میان آن‌ها رابطه وجود دارد. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، این حکمرانی است که سبب و ماهیت صلح و امنیت و توسعه را تعریف می‌کند. درواقع، زمانی که ساختار امنیتی حکمرانی با شکست مواجه شود، اوضاع کل نظام از جنبه‌های گوناگون از جمله دموکراسی، ثبات و توسعه رو به وخامت می‌رود. برای اطمینان از سیستم امنیتی کارآمد، ضرورت دارد میان عناصر حکمرانی خوب به واسطه رهبری کارآمد ارتباط برقرار باشد. این عناصر شامل حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و شفافیت در مدیریت منابع، ثبات سیاسی، تأمین نیازها و خدمات اساسی همچنین فقدان فساد است (ژنوی، ۶۱). صلح و ثبات در جهان نمی‌تواند از رهگذر مفهوم محدود و تنگ‌نظران از امنیت تحقق یابد، مفهومی که دولت‌ها با گروه‌های اجتماعی از آن سپری ساخته‌اند در برابر آنچه تهدیدی نسبت به آسایش و بهروزی خویش می‌پندارند (عنان، ۱۳۸۵: ۳۷).

حکومت‌ها برای اینکه بتوانند در چارچوب حکمرانی خوب به صلح و توسعه سوق پیدا کنند، می‌بایستی برنامه‌ریزی‌های خود را در راستای فعالیت‌های بلندمدت تنظیم کنند، زیرا صلح پایدار و توسعه مستلزم جو آرام و درازمدتی است که در آن بخش‌های مختلف بتوانند در یک فرآیند طولانی به ثبات و رشد دلخواه دست (مقدری، ۱۳۹۵: ۴۱).

از سوی دیگر، حکومت خوب، رفتار رهبران، سیاست‌مداران، احزاب سیاسی و سایر کنشگران را کنترل می‌کند. نقش رهبری به‌ویژه در پیشبرد پروژه‌های حاکمیتی مهم است. درواقع، تضمین حکمرانی خوب برای دستیابی به صلح، دموکراسی، امنیت و توسعه پایدار برعهده‌گرفته رهبری است. این موضوع به توانایی و ظرفیت رهبری برای تخصیص منابع کمیاب، تعیین گزینه‌های سیاسی و نتایجی که ماهیت توسعه در جامعه را در تحت تأثیر قرار می‌دهد، بستگی دارد. می‌توان گفت دست رهبران دموکراتیک بسته است، زیرا مردمشان در برابر پذیرش هزینه‌ها و تلفات جنگ از خود مقاومت نشان می‌دهند (گرییتس، ۱۳۸۸، ۶۷۹). این یک حقیقت مسلمی است که ارتباط قوی بین ماهیت حکمرانی و وضعیت امنیت در هر جامعه وجود دارد (ژنوی، ۶۱) و جوامعی با دولت‌های قوی، ممکن است بیشتر صلح‌آمیز باشند. مطالعات مختلف نشان‌دهنده رابطه‌ای میان نوع نظام با صلح داخلی آن برقرار است، به‌ویژه در نظام‌های ناسازگار، خطر درگیری و خشونت در کشور در بالاترین سطوح است. کشوری که دولت ضعیفی دارد در برابر کوچک‌ترین موضوعی تلاش دارد از زور به‌عنوان راه‌حل استفاده کند (باسمن، ۲۰۰۷: ۸). بنابراین، برای ارتقای حکمرانی خوب و استقرار دولت‌های کارآمد، سازوکارهای مؤثری لازم است ایجاد شود که به‌طور سامانمند امور

۱ Genyi

۲ Bussmann

حکمرانی را به سمت نتایج موردنیاز از جمله ثبات سیاسی، اجرای عدالت و توسعه پایدار پیش ببرد. این ساز کار را باید برابر یک تصمیم ایجاد کرد و با شانس و اقبال به وجود نمی‌آید (ساویج، ۲۰۰۳: ۱۰).

۵. چارچوب تئوریک

از نگاه این پژوهش، حکمرانی نه تنها درباره چگونگی اعمال قدرت است بلکه درباره نتایج و پیامدهای قدرت نیز میباشد. بنابراین درک کامل واقعیت پیچیده حکمرانی هنگامی میسر می‌شود که تمام ساختارها، فرایندهای بازیگران، کارکردها و اهداف را در ارتباطی تعاملی در برگیرد. منظور از چگونگی و نتایج اعمال قدرت همان فرایند تصمیم‌گیری است. اگر تصمیم‌گیری را با رهیافت فرایندی - سیستمی توصیف نماییم، شامل سه مرحله اساسی اخذ تصمیم، اجرای تصمیم و ارزیابی نتایج بدست آمده خواهد بود. البته تصمیم‌گیری را با شیوه‌ها و رویکردهای گوناگون تعریف نموده‌اند، بطور مثال تصمیم‌گیری یعنی یک انتخاب از بین چند گزینه، تصمیم‌گیری یعنی یک جریان فکری، تصمیم‌گیری یعنی یک فرایند «رضایان» (۱۳۸۵؛ الوانی، ۱۳۷۹؛ الوانی، ۱۳۶۹ و فخمی، ۱۳۷۹). کارایی یعنی درست انجام دادن وظیفه و به رابطه بین ورودی و خروجی اشاره دارد. برای نمونه اگر از نهاده معینی بازده بیشتری به دست آوریم، کارایی را افزایش داده ایم. کارایی با چگونگی استفاده از منابع ورودی: پول، افراد و تجهیزات ... که کمیاب هستند، ارتباط دارد. در حالیکه میزان دستیابی به اهداف تعیین شده را اثربخشی گویند (رابینز و دی سنزو، ۱۳۸۵، ۱۹).

۶. روش‌شناسی تحقیق:

این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. در این فرایند، متناسب با داده‌های موردنیاز پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و منابع مرجع استفاده شد. جهت ابزار گردآوری داده‌ها از بین متخصصان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و جغرافیا (از بین اساتید دانشگاه و فارغ‌التحصیلان) به تعداد ۲۰ نفر به صورت هدفمندانه مورد پرسش قرار گرفت. پرسشنامه تخصصی به صورت مقایسه‌ای (صفر = بی‌اثر؛ یک = اثرگذاری خیلی کم؛ دو = اثرگذاری کم؛ سه = اثرگذاری زیاد؛ چهار = اثرگذاری خیلی زیاد) است. همچنین روایی این تحقیق مثبت و بالاتر بوده و قابل تأیید است. برای تحلیل یافته‌های بخش تخصصی از روش دیمتل بهره گرفته شد.

جدول ۲- شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها	توضیح شاخص‌ها	منابع
مشارکت	روندی که با آن کسانی در قدرت هستند به صورت آزاد انتخاب و همچنین ایجاد بستر مناسب برای مشارکت فعالانه شهروندان در فعالیت‌های جامعه	(آئوکلایر و جکوهانگو، ۲۰۰۹: ۶؛ برک پور، ۱۳۸۵؛ طیار و همکاران، ۱۳۹۳)
پاسخ‌گویی	روندی که دولت و بخش خصوصی در برابر شهروندان پاسخ‌گو باشند.	برک پور، ۱۳۸۵؛ ارشد، ۱۳۹۴؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سامتی و همکاران، ۱۳۹۰
کارایی و اثربخشی	ثبات سیاسی و همچنین اعمال سیاست‌های مناسب و درست برای ارتقا سطح عمومی جامعه، توسط دولت و بخش خصوصی با مشارکت شهروندان و نظارت دولت	(آئوکلایر و جکوهانگو، ۲۰۰۹: ۶؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۶؛ برک پور، ۱۳۸۵؛ حسینی، ۱۳۹۵)
شفافیت	به معنای گردش آزاد اطلاعات و قابل‌دسترس بودن آن برای تمام شهروندان و مشخص بودن فرآیند تأیید و تصویب سیاست‌ها	(برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۶؛ رهنما و همکاران، ۱۳۸۹؛ ابراهیم‌زاده و اسدیان، ۱۳۹۲؛ برک پور، ۱۳۸۵؛ ارشد، ۱۳۹۴)
عدالت	همه شهروندان باید فرصت یکسانی برای دستیابی به خدمات و همچنین فرصت برابر برای رشد فردی داشته باشند.	(ملکی و همکاران، ۱۳۹۷؛ صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۲: ۳؛ آئوکلایر و جکوهانگو، ۲۰۰۹: ۶؛ برک پور، ۱۳۸۵)
حاکمیت قانون	ایجاد چارچوبی قانونی و مشروع برای ساختار و همچنین رعایت آن برای همه و ترویج آن در سطح جامعه	(ارشد، ۱۳۹۴؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ آرای و همکاران، ۱۳۹۶؛ صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۲: ۳)
مسئولیت‌پذیری	شامل پذیرفتن مسئولیت شهروندان و احترام به تساوی حقوق بین شهروندان	(صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۹: ۶؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۶؛ برک پور، ۱۳۸۵؛ ارشد، ۱۳۹۴؛ محمدی و باغ‌راهی، ۱۳۹۵؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶؛ نروزی و ابراهیمی، ۱۳۹۷)
اجماع‌پذیری	همه شهروندان باید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط نهادهای قانون، منافعشان در نظر گرفته شود و تمام گروه‌ها و شهروندان را برای رسیدن به یک توافق گسترده برای اینکه چه چیزی بهترین است در نظر گرفته شود.	(صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۹: ۶؛ آرای و همکاران، ۱۳۹۶)

منبع: یافته‌های محقق

۶-۱. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۶-۱-۱. گام‌های روش دیمتل

گام ۱: تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم (M)

جدول زیر ماتریس ارتباط مستقیم که همان مقایسات زوجی خبرگان هست را نشان می‌دهد.

جدول ۳- ماتریس ارتباط مستقیم

اجماع پذیری	مسئولیت‌پذیری	حاکمیت قانون	عدالت	شفافیت	کارایی و اثربخشی	پاسخ گویی	مشارکت	
۴	۳	۳	۲	۴	۳	۳	۰	مشارکت
۴	۳	۲	۳	۵	۴	۰	۴	پاسخ‌گویی
۳	۵	۴	۴	۵	۰	۲	۴	کارایی و اثربخشی
۵	۵	۵	۵	۰	۴	۴	۴	شفافیت
۳	۱	۳	۰	۲	۲	۵	۳	عدالت
۳	۳	۰	۳	۳	۱	۳	۲	حاکمیت قانون
۴	۰	۳	۴	۴	۴	۴	۴	مسئولیت‌پذیری
۰	۴	۴	۱	۱	۴	۲	۳	اجماع پذیری

منبع: یافته های محقق

گام ۲: نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم

جدول ۴- ماتریس ارتباط مستقیم نرمال شده

مشارکت	پاسخ گویی	کارایی و اثربخشی	شفافیت	عدالت	حاکمیت قانون	مسئولیت پذیری	اجماع پذیری
مشارکت	۰	۰,۰۹۴	۰,۰۹۴	۰,۱۲۵	۰,۰۶۲	۰,۰۹۴	۰,۱۲۵
پاسخ گویی	۰,۱۲۵	۰	۰,۱۵۶	۰,۱۲۵	۰,۰۹۴	۰,۰۶۲	۰,۱۲۵
کارایی و اثربخشی	۰,۱۲۵	۰,۰۶۲	۰	۰,۱۵۶	۰,۱۲۵	۰,۱۵۶	۰,۰۹۴
شفافیت	۰,۱۲۵	۰,۱۲۵	۰	۰	۰,۱۵۶	۰,۱۵۶	۰,۱۵۶
عدالت	۰,۰۹۴	۰,۱۵۶	۰,۰۶۲	۰	۰,۰۶۲	۰,۰۳۱	۰,۰۹۴
حاکمیت قانون	۰,۰۶۲	۰,۰۹۴	۰,۰۳۱	۰,۰۹۴	۰,۰۹۴	۰	۰,۰۹۴
مسئولیت پذیری	۰,۱۲۵	۰,۱۲۵	۰,۱۲۵	۰,۱۲۵	۰,۱۲۵	۰,۰۹۴	۰,۱۲۵
اجماع پذیری	۰,۰۹۴	۰,۰۶۲	۰,۱۲۵	۰,۰۳۱	۰,۰۳۱	۰,۱۲۵	۰

منبع: یافته های تحقیق

گام ۳: محاسبه ماتریس ارتباط کامل

جدول ۵- ماتریس ارتباط کامل

مشارکت	پاسخ گویی	کارایی و اثربخشی	شفافیت	عدالت	حاکمیت قانون	مسئولیت پذیری	اجماع پذیری
مشارکت	۰/۲۵۷	۰/۳۳	۰/۳۲۶	۰/۳۶۶	۰/۲۹۶	۰/۳۴۷	۰/۳۹
پاسخ گویی	۰/۴۰۵	۰/۲۷۹	۰/۳۸۶	۰/۴۲۷	۰/۳۵۵	۰/۳۸۳	۰/۴۲۸
کارایی و اثربخشی	۰/۴۲۱	۰/۳۶	۰/۲۸۷	۰/۴۴۴	۰/۳۹۹	۰/۴۴۸	۰/۴۲۱
شفافیت	۰/۴۶۳	۰/۴۵۱	۰/۴۳۸	۰/۳۴۹	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۵۱۷
عدالت	۰/۳۰۳	۰/۳۴۶	۰/۲۶۲	۰/۲۷۸	۰/۱۹۷	۰/۲۵۱	۰/۳۲۱
حاکمیت قانون	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۲۹	۰/۲۹۲	۰/۲۷۹	۰/۲۱۱	۰/۳۱۴
مسئولیت پذیری	۰/۴۲	۰/۴۰۶	۰/۳۹۸	۰/۴۱۷	۰/۳۹۴	۰/۳۱	۰/۴۴۴
اجماع پذیری	۰/۳۰۶	۰/۲۶۸	۰/۳۱۶	۰/۲۵۶	۰/۲۳۶	۰/۳۳۳	۰/۲۳۷

منبع: یافته های تحقیق

گام ۴: محاسبه ماتریس ارتباط داخلی

مقدار آستانه در این تحقیق برابر ۰/۳۵۱ است.

تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از ۰/۳۵۱ باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی شود. بنابراین الگوی روابط معنی دار به صورت جدول زیر است.

جدول ۶- الگوی روابط معنی دار

اجماع پذیری	مسئولیت پذیری	حاکمیت قانون	عدالت	شفافیت	کارایی و اثربخشی	پاسخ گویی	مشارکت	
۰/۳۹	۰	۰	۰	۰/۳۶۶	۰	۰	۰	مشارکت
۰/۴۲۸	۰/۳۸۳	۰/۳۵۶	۰/۳۵۵	۰/۴۲۷	۰/۳۸۶	۰	۰/۴۰۵	پاسخ گویی
۰/۴۲۱	۰/۴۴۸	۰/۴۲۴	۰/۳۹۹	۰/۴۴۴	۰	۰/۳۶	۰/۴۲۱	کارایی و اثربخشی
۰/۵۱۷	۰/۴۹	۰/۴۹۱	۰/۴۶	۰	۰/۴۳۸	۰/۴۵۱	۰/۴۶۳	شفافیت
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	عدالت
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	حاکمیت قانون
۰/۴۴۴	۰	۰/۳۹۵	۰/۳۹۴	۰/۴۱۷	۰/۳۹۸	۰/۴۰۶	۰/۴۲	مسئولیت پذیری
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اجماع پذیری

منبع: یافته های تحقیق

گام ۵: خروجی نهایی و ایجاد نمودار

گام بعدی به دست آوردن مجموع سطرها و ستونهای ماتریس T است. مجموع سطرها (D) و ستونها (R) با توجه به فرمولهای زیر به دست می آورده می شود.

$$D = \sum_{j=1}^n T_{ij}$$

$$R = \sum_{i=1}^n T_{ij}$$

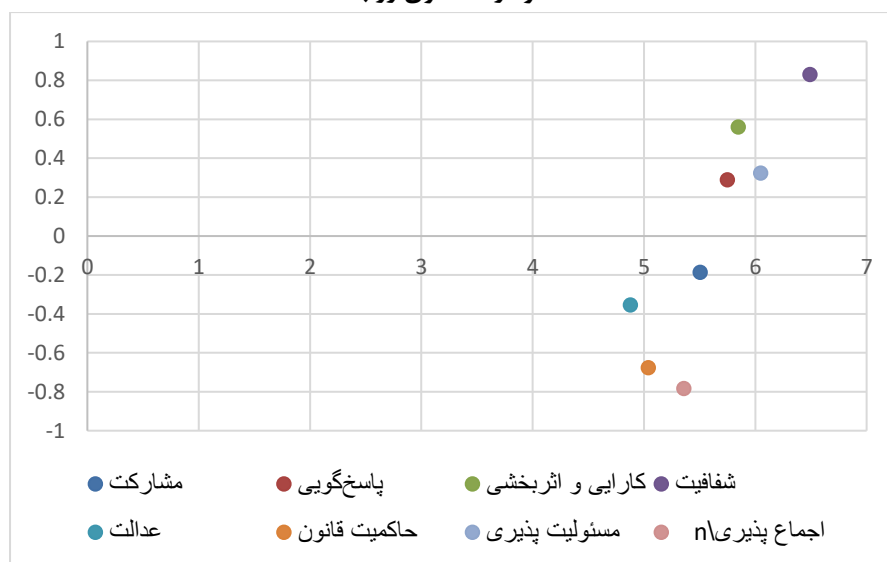
جدول ۷-خروجی نهایی

D-R	D+R	D	R	
-۰/۱۸۶	۵/۵۰۳	۲/۶۵۸	۲/۸۴۵	مشارکت

۰/۲۸۸	۵/۷۴۹	۳/۰۱۹	۲/۷۳۱	پاسخ‌گویی
۰/۵۶	۵/۸۴۷	۳/۲۰۴	۲/۶۴۳	کارایی و اثربخشی
۰/۸۲۹	۶/۴۸۹	۳/۶۵۹	۲/۸۳	شفافیت
-۰/۳۵۴	۴/۸۷۷	۲/۲۶۲	۲/۶۱۵	عدالت
-۰/۶۷۷	۵/۰۳۷	۲/۱۸	۲/۸۵۷	حاکمیت قانون
۰/۳۲۳	۶/۰۴۶	۳/۱۸۴	۲/۸۶۱	مسئولیت‌پذیری
-۰/۷۸۳	۳/۳۵۸	۲/۲۸۸	۳/۰۷	اجماع‌پذیری

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱- الگوی روابط



گام ۶: تفسیر نتایج

در این تحقیق شفافیت از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است و مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، پاسخ‌گویی، مشارکت، اجماع‌پذیری، حاکمیت قانون و عدالت در درجات بعدی تأثیرگذاری قرار دارند.

در این تحقیق پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری علی بوده و مشارکت، عدالت، حاکمیت قانون، اجماع‌پذیری معلول به حساب می‌آیند.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکمرانی به معنای "نفوذ هدایت شده در فرایند های اجتماعی" است. حکمرانی موضوعی است در باره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است. سیستم حکمرانی چارچوبی است که فرآیند متکی بر آن است.

نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های حکمروایی خوب شهری شامل: مشارکت، پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، شفافیت، عدالت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری با اطمینان ۹۹٪ نقش مهمی را در توسعه روابط بین دولت ایران با رویکرد حکمرانی خوب دارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای تحقیق به ترتیب پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری تأثیرگذار است و شاخص‌های مشارکت، عدالت، حاکمیت قانون، اجماع‌پذیری اثرپذیر محسوب می‌شود و در درجات بعدی اثرپذیری قرار دارد. این رویکرد "حکمروایی خوب شهری" است که طی دهه‌های اخیر به‌عنوان رویکرد مؤثر و اثربخش که فضای سیاست‌ها و روابط بین الملل با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است و دچار تخریب و آسیب شده را راهکارهایی ارائه می‌دهد و دولت‌ها را از فضای ناپایدار و وابسته خارج می‌سازد.

طبق بررسی تحقیقات سلیمی و کریمی پور، (۱۳۹۸)، بهروز و قربانی، (۱۳۹۶)، عیوضی و همکاران، (۱۳۹۶)، ابراهیم پور و الیکی، (۱۳۹۶)، می‌توان نتیجه گرفت رشد و تنوع و وسایل ارتباط جمعی نیز به باز شدن فضای اطلاعاتی کمک کرده تا بتوان حکمرانی‌های خوب و بد را از یکدیگر تمیز داد. همچنین نفوذ نهادهای بین‌المللی در ساختار دولت و ملت هم بر زیر ذره‌بین رفتن رفتار دولت‌ها کمک کرده و از این‌رو، حاکمان نمی‌توانند آنچه را که انجام می‌دهند از شهروندان خود پنهان سازند. به علاوه، همان‌طور که حکمرانی خوب در محیط‌های فکری و نظام سیاسی بسته اعمال نمی‌شود، در فرآیند جهانی‌شدن و در عرصه مناسبات نظام بین‌الملل کشورهای که با سیستم بسته اداره می‌شوند، از اینکه قدرتشان آسیب‌پذیرتر گشته، سخت در هراس بوده و سعی دارند از این مفهوم، فضای تهدید بسازند.

با توجه به سوالات پژوهش در تحقیق حاضر، بر اساس یافته‌ها می‌توان در پاسخ به سوال اول گفت که حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. البته، اختلاف نظرهای جدی در کم و کیف آن وجود دارد، با این حال دغدغهی اصلی اغلب نظریه پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برقراری نظم و امنیت است. قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود

قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می پردازد. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

در این رویکرد ممکن است بهترین راه برخورد با یک مسأله ویژه برای خط مشی، تدوین مقررات مشارکت با بخش خصوصی سازی یک وظیفه باشد؛ ضمن اینکه تدارک و ارائه مستقیم خدمات توسط حکومت و بوروکراسی نیز مانعی نخواهد داشت؛ این امر بستگی به شرایط دارد؛ یعنی بسته به شرایط، باید بهترین راه حکمرانی را جست و جو کرد. از دیدگاه نظریه حکمرانی، هدف حکمرانی خوب، به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی و توسعه پایدار انسانی، رضایت مادی و معنوی با رفع نیازهای اساسی و حمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی و گسترش دایره انتخاب هاست، در حالی که حکمرانی بد یا ضعیف، موجب رشد کندتر، خدمات عمومی ناکارآمد، و فرصت‌های از دست رفته می شود.

بر اساس یافته‌ها می توان در پاسخ به سوال دوم گفت که جهانی شدن باعث کم رنگ شدن مرزهای ملی و فروریختن باورها و تصورات سنتی و کلاسیک از مفاهیم سیاست نظیر حاکمیت، منافع ملی و تحولات قدرت از شکل سخت افزاری به نرم افزاری و زمینه محدود شدن فرآیند حاکمیت ملی دولت‌ها را فراهم آورده و دولت‌های ملی ابعاد مهمی از توانایی، خودمختاری و حاکمیت خود را از دست می‌دهند و به نحو فزاینده‌ای با بازارهای جهانی، سازمانهای تجاری منطقه‌ای، نهادهای سیاسی بین‌المللی و جنبش‌های فکری روبرو می شوند و بدنبال تعقیب سیاست تنش زدایی و تعامل سازنده با جهان بر اساس سند چشم انداز پیش می روند. از آنجا که بانک جهانی به جای تأکید صرف بر کوچک سازی حکومت، به حکمرانی خوب روی آورد؛ یعنی موفقیت در کوچکسازی خصوصیسازی و آزاد اقتصادی را به تحقق شرایطی چون افزایش شفافیت، نظم مالی و حضور تسهیلکننده دولت برای توسعه رقابت منوط ساخت.

بر اساس یافته‌ها می توان در پاسخ به سوال سوم گفت که نظام تصمیمگیری‌های بزرگ یا کلان همان حکمرانی یا حکمروایی است که این تصمیمات بر روی آحاد مردم یا اکثریت قریب به اتفاق آنها دارای تاثیر است. حکمرانی خوب به نوعی عمل میکند که اعتماد اکثریت شهروندان جامعه را بدست آورد ولی در مقابل حکمرانی بد، به نحوی عمل میکند که باعث نارضایتی شهروندان میشود و اولین چیزی که در این میانه آسیب میبیند همانا اعتماد مردم است. محورهای اساسی برای تحقق حکمرانی خوب عبارتند از اثربخشی، ایجاد برابری فرصتها و برابری در بهره‌مندی، برخورداری از بینش استراتژیک کارآمد، تامین نظام شفافیت در کنار پاسخگویی حکومت،

اجتماعسازی یا ایجاد رویکرد توافقمحور در سطح ملی و اعتمادسازی عمودی و افقی محور، به دیگر سخن اعتماد مردم به حکومت و اعتماد مردم به مردم، و تحقق مشارکت حداکثری مردم در امورسیاسی و اجتماعی. اگر اعتماد مردم خدشه ببیند، هم عمودمحور و هم افقی محور است، به عبارت دیگر، اعتماد مردم به حکومت در کنار اعتماد مردم به مردم نیز خدشه پیدا میکند.

حکمرانی خوب یک نظریه و یا یک طرح خیالپردازانه نیست؛ امروزه کشورهای مختلفی تلاش میکنند تا این الگورا از دئوری به عل درآورند. به عنوان نمونه سازمان ملل متحد در حال اجرای پروژههایی در قالب حکومتمداری خوب است. براین اساس آنچه ما امروزه به آن نیاز داریم جرات، جسارت، نوآوری و تلاش برای ارتقای شراکت بر اساس برابری و شفافیت، و دیگر ابعاد حکمرانی خوب است.

مواردی که برای یک حکمرانی خوب می‌توان در نظر داشت که با اتکا بر این عوامل به سمت توسعه حرکت کرد و کوتاهی در هریک از این موارد باعث بی‌اعتمادی و فروریختن مشروعیت در نظر مردم می‌شود به شرح ذیل است:

پاسخ‌گویی همه نهادها: از مهم‌ترین شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب پاسخ‌گویی است. که پاسخ‌گویی به همه نهادهای دولتی، خصوصی، و مدنی در درون یک جامعه اطلاق می‌شود که باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم و ذی نفعان خود پاسخ‌گو باشند.

رسیدن به شفافیت: به معنای، جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان به آن برای همه است. شفافیت آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات است. لازمه چنین هدفی میدان دادن به رسانه و احزاب برای تجزیه و تحلیل و نقد در جامعه است.

جامعه مدنی فعال: شامل همه حوزه‌هایی است که پس از تعیین و تجزیه حوزه دولت باقی می‌ماند. حوزه‌ای که در آن کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند. کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارت‌اند از نیروها، طبقات، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و نهادها و گروه‌های فشار و انجمن‌ها. عمده‌ترین کارکرد جامعه مدنی در یک جامعه، هم باعث تحدید پایه‌های قدرت (شامل نظارت و کنترل بر اعمال قدرت در دولت‌های دموکراتیک و دموکراسی سازی در دولت‌های استبدادی) و هم باعث تقویت پایه‌های قدرت دولت (شامل مشارکت شهروندان، سرمایه اجتماعی، ارتقای تفکر، اعتماد به نظام سیاسی) می‌شود.

مبارزه با فساد و سلامت اداری: فساد به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر ممکن است در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی بروز یابد و چهره‌ای خاص به خود گیرد، اما در تمام انواع فساد

مانند فساد خرد، سازمان‌یافته، فساد بزرگ تعمدی بودن، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به جای منافع عمومی و دولتی مشاهده می‌شود. فراگیری و گسترده‌گی فساد موانع جدی را برای توسعه و مردم‌سالاری و برقراری حکمرانی خوب به وجود می‌آورد.

مشارکت فعال شهروندان: سنگ بنا اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسطه میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخبشان باشد. مشارکت یعنی اینکه تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهارنظر داشته باشند. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود.

حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیر مغرضانه اجرا شوند و توجه به حقوق شهروندی و در رأس آن حقوق اقشار ضعیف و اقلیت‌ها حفظ شود. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است.

اجماع محوری: به این معنا که تصمیمات حکومت باید مبتنی بر منافع درازمدت مردم اتخاذ و صورت بگیرد. و نکته مهم‌تر باید از تمام نظرات مخالف و موافق در تصمیم‌گیری بهره برد تا اجماعی عمومی در بین گروه‌های سیاسی برای نیل به توسعه جامعه صورت بگیرد. در حقیقت فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ازجمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق عمومی به سمتی رهنمون گرداند که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد.

مسئولیت‌پذیری مسئولان: در حکمرانی خوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذی‌نفعان و در قبال وظایف محول شده مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه را باید سازمان و بخش مربوط مدیریت کند و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

منابع

۱. افشارکهن، جواد (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی کتاب توسعه دولت محور»، فصلنامه توسعه اقتصادی، دوره ۳۹، شماره ۲ تابستان (۳۷۳-۲۸۱).
۲. ایوانز، پیتر (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۳. ابراهیم پور، حبیب، الیکی، فهیمه، (۱۳۹۵)، بررسی نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولت‌ها، نویسندگان: (اجلاس بین‌المللی نخبگان مدیریت
۴. اسماعیل طاهری بهروز، حاجی قربانی مریم، (۱۳۹۶)، حکمرانی خوب، انتشارات وزارت تعاون کار و امور اجتماعی، ۱۳۹۶
۵. ابراهیم زاده، عیسی، اسدیان، مرتضی، (۱۳۹۲)، تحلیل و ارزیابی میزان تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران مورد شناسی: شهر کاشمر، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۷-۳۰.
۶. آرای، وحید، قاسمی، ابوالفضل، معینی فر، یاسر، (۱۳۹۶)، توصیه های سیاستی موانع تحقق پذیری حکمرانی خوب در اداره ی امور عمومی، مطالعه ی موردی: فرمانداری و شهرداری شهرستان مینودشت، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۱۱۴-۱۳۴، ۲۵.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، دولت و جامعه مدنی (گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشرنی.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، عقل در سیاست، تهران، نگاه معاصر.
۱۰. برک پور، ناصر (۱۳۸۵)، حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
۱۱. پارسا نصب مجتبی، (۱۳۹۴)، بر حکمرانی خوب کلید معمای توسعه، اجلاس ملی مدیریت دولتی ایران: خط مش گذاری عمومی، ۱۳۹۴
۱۲. تودارو، مایکل (۱۳۸۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات وزیری.
۱۳. حیدری فرد، سجاد، (۱۳۹۶)، تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره سی دو، صص ۱۴۷-۱۷۹.

۱۴. حسینی، سیدهادی، (۱۳۹۵)، تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران، مطالعه موردی: شهر تربت حیدریه، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره بیستم، صص ۴۳-۵۲.
۱۵. حکمت‌نیا، حسن، ملکی، محمد، موسوی، میرنجم، افشانی، علیرضا، (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل حکمروایی خوب شهری در ایران مورد مطالعه: شهر ایلام، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۴۳-۱۵۲.
۱۶. دینی، علی (۱۳۷۰)، «تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه»، فصلنامه توسعه، شماره ۱، صص ۶۷-۹۹.
۱۷. رضایی قادی، مهدی؛ شیرخانی، علی (۱۳۹۹) ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی در نظام، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب. سیاست متعالیه، ۸ (۳۰): صص ۱۶۵-۱۸۶.
۱۸. رهنما، محمدرحیم، مافی، عزت‌اله، اسدی، روح‌اله، (۱۳۸۹)، تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی سوات، مجله ی جغرافیا و توسعه ی ناحیه ای، شماره پانزدهم، صص ۱۹۸-۲۲۴.
۱۹. زاهدی، شمس‌السادات، ابراهیم‌پور، حبیب، (۱۳۹۱)، حکمرانی مبتنی بر پایداری با تأکید بر حفاظت محیطی، انتشارات سمت، صص ۱-۱۸۴.
۲۰. زیاری، کرامت‌الله، سعیدی راد، مجید، حیدری، سامان، (۱۳۹۳)، ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محله ای مطالعه موردی: محله سنگلج شهر تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۸۶-۹۵.
۲۱. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱)، عقلانیت و آینده توسعه نیافتگی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲۲. سلیمی غلامرضا، کریمی‌پور، داود، (۱۳۹۸)، حکمرانی، درآمدی بسیار کوتاه، انتشارات: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۸.
۲۳. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت، (۱۳۹۰)، تحلیل تأثیر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا، فصلنامه مدیریت، اقتصاد و حسابداری، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، صص ۲۲۳-۱۸۳.
۲۴. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۹۳-۱۰۹.
۲۵. شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، قم.

۲۶. صبوری ضیاءالدین، (۱۳۹۱) ف حکمرانی خوب و تحول در نظام بین الملل ، نویسنده : ، انتشارات : روناس ، ۱۳۹۱
۲۷. عیوضی محمدرحیم ، مرزبان نازنین،، صالحی معصومه ، (۱۳۹۶)، بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار فصل نامه راهبرد ، سال بیست و ششم، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۹۶.
۲۸. قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۹)، «رابطه دولت و جامعه مدنی در ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی»، مجله علوم اجتماعی، پاییز و زمستان، صص ۹۷-۱۰۳.
۲۹. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک و دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، جهانی شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳۱. قاسمی ، ابوالفضل، قزلسفلی، محمدتقی، مسلمی مهنی، یوسف، (۱۳۹۸)، حکمرانی خوب شهری به منزله مرجعیت سیاست گذاری شهری ،تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره یکصد و یکم، بهار، صص ۱۹۶-۲۲۱.
۳۲. قلی پور رحمت ا...، ۱۳۸۳، نقش دولت در حمرانی خوب، پایان نامه دکتری، تهران، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی
۳۳. کواسمی، ایوب (۱۳۹۰)، «بحران دولت- ملت و آینده احتمالی آن»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست نظری، زمستان و بهار، صص ۱۰۲-۸۱.
۳۴. لطفی عاقل، مرضیه و همکاران (۱۳۹۸)، بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر همدان)، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۶
۳۵. لفتویچ، آدریان (۱۳۸۵)، دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد، مندیژ.
۳۶. میدری، احمد (۱۳۸۳)، «تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب»، نامه مفید، شماره ۴۲، خرداد و تیر، صص ۱۱۸-۹۳.
۳۷. ملکی، سعید، آروین، محمود، بذر افکن، شهرام، (۱۳۹۷)، بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب آور، مطالعه موردی : شهر اهواز، فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۸-۱.

۳۸. مرادی، ابراهیم، رهنما، علی، حیدریان، سمیرا، (۱۳۹۶)، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد مطالعه موردی: کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا، مجله علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۱۸۲-۱۵۱.
۳۹. میدری احمد و خیرخواهان جعفر، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس
۴۰. مقدری، مهدی، (۱۳۹۵)، درآمدی بر حکمرانی خوب، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۴۱. نوروزی، اصغر، ابراهیمی، الهه، (۱۳۹۷)، تحقق‌پذیری شاخص‌های حکمروایی خوب در نواحی روستایی شهرستان لنجان، نشریه علمی-پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال سوم، شماره ۶، سری جدید، صص ۱۰۹-۹۳.
۴۲. نصیر خانی، پرویز (۱۳۹۳)، تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۳، شماره ۷
۴۳. یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۴. یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۱)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران، انتشارات روزنه.

45. Habitat, U. N (2002). The Global Campaign on Urban Governance–Concept Paper. UN HABITAT, Nairobi.
46. Auclair, C., & Jackohango, A (2009). Good urban governance: Towards an effective private sector engagement. Nairobi. Available online at : http://www.unhabitat.org/downloads/docs/WG_B_Background_Urban_Governance&t he
47. PrivateSector_draft0. pdf, checked on, 24 (11), 2011.
48. English Source
49. - Badie, B. and P. Birnbaum (1983), The Sociology of the State, Trans. Arthur Goldammer, Chicago, University of Chicago Press.
50. - Fritz, Verna and Alina Rocha Menocal (2007), "Development State in the New Millennium: Concept and Challenges for a New Aid Agenda", Development Policy Review, Vol.25, No.5, September, pp. 531-552.
51. - <http://www.fau.edc/caupa/spa/public/faculty/farazmand.html>.
52. - Przewroski, Adam (2000), Democracy and development, Political Institutions and Well Being in The World 1950-1990, Cambridge University press.
53. - Manbach, R. W. (2005), Deterritorizing Global Politics in Puchala, Modernity, Minneapolis, Minnesota University of Minnesota Press.

-
54. - Riggs, Fred W. (1984), Development in Sartori, Giovanni (ed.), Social Sciences Concepts, London, Sage Publications.
 55. - Badie, B. and P. Birnbaum (1983), The Sociology of the State, Trans. Arthur Goldammer, Chicago, University of Chicago Press.
 56. - Fritz, Verna and Alina Rocha Menocal (2007), "Development State in the New Millennium: Concept and Challenges for a New Aid Agenda", Development Policy Review, Vol.25, No.5, September, pp. 531-552.
 57. - <http://www.fau.edc/caupa/spa/public/faculty/farazmand.html>.
 58. - Migdal, Joel S. (1998), Strong Societies and Weak States: State- Society Relationship and State Capabilities in the Third World, Princeton, Princeton University Press.
 59. - Manbach, R. W. (2005), Deterritorizing Global Politics in Puchala, Modernity, Minneapolis, Minnesota University of Minnesota Press.
 60. - Riggs, Fred W. (1984), Development in Sartori, Giovanni (ed.), Social Sciences Concepts, London, Sage Publications.
 61. - Smith, A.D. (2007), "Nationalism in Decline?", In: M. Young et al. (eds), Nationalism in a Global, London, Sage

